

## نوآوری‌ها و مجربّات حکیم سیّد محمد مؤمن تنکابنی در کتاب تحفه المؤمنین

روجا رحیمی<sup>الف\*</sup>، محمدرضا شمس اردکانی<sup>الف</sup>، فاطمه فرجامند<sup>ب</sup>

<sup>الف</sup> دانشکده‌ی طب سنتی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

<sup>ب</sup> معاونت غذا و دارو، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

### چکیده

کتاب "تحفه المؤمنین" دارونامه‌ی جامعی از داروهای مفرد و مرکب است که توسط دانشمند حکیم، سیّد محمد مؤمن تنکابنی از طبیبان بزرگ شیعه مذهب در ۱۰۸۰ هجری قمری تالیف شده است. نسخه‌های خطی بسیار، چاپ‌های متعدّد و ترجمه‌ی آن به زبان عربی و ترکی که اندکی پس از نگارش آن صورت گرفت اهمیت آن را نشان می‌دهد. این کتاب هنوز هم نزد پیروان پزشکی سنتی اعتبار زیادی دارد. در این کتاب تحفه المؤمنین علاوه بر مطالبی که از کتب پیشین نقل قول شده، مؤلف به بیان تجربیات و نوآوری‌های خود نیز پرداخته است. در این مقاله سعی شده است تا به گوشه‌ای از تجربیات و نوآوری‌های حکیم سیّد محمد مؤمن تنکابنی که در کتاب تحفه المؤمنین به آن اشاره گردیده، پرداخته شود.

**واژگان کلیدی:** تحفه المؤمنین، محمد مؤمن تنکابنی، نوآوری‌ها، مجربّات، مفردات، مرکبات

### ۱. مقدمه

تنکابنی و جدش میرعطاءالله که هر دو پزشک بودند یاد کرده است. در مقدمه‌ی تحفه، مؤلف اشاره نموده است که این کتاب مشتمل بر پنج تشخیص و سه دستور است؛ ولی در تمام نسخه‌های موجود، فقط دو دستور آمده و احتمالاً دستور سوم اصلاً نوشته نشده است (۲).

از مهم‌ترین ویژگی‌های این کتاب، کاربرد فراوان واژه‌های مترادف از زبان‌ها و گویش‌های مختلف است، مترادف‌های به زبان‌های یونانی، سریانی، رومی، عبرانی، فارسی و عربی (در مجموع از پانزده گویش عربی واژه‌هایی ذکر گردیده است). هم‌چنین واژه‌هایی از زبان‌های حامی چون بربری، حبشی و قبطی آورده شده است. حکیم مؤمن علاوه بر به‌کارگیری فارسی معیار زمان خود، از واژه‌های گویش‌های مختلف فارسی نیز بسیار استفاده کرده است. از جمله واژه‌های رایج در اصفهان، تنکابن، دیلم، مازندران، طبرستان، شیراز، گیلان،

کتاب "تحفه المؤمنین" دارونامه‌ی جامعی از داروهای مفرد و مرکب است و براساس نوشته‌ی مؤلف با هدف تصحیح کتاب "اختیارات بدیعی"، تالیف علی‌بن حسین انصاری نوشته شده و به شاه سلیمان، پادشاه صفویّه تقدیم شده است. این کتاب به تحفه‌ی حکیم مؤمن و تحفه‌ی سلیمانی نیز معروف می‌باشد. تحفه المومنین از زمان نگارش در ۱۰۸۰ هجری قمری، تا حدود سه قرن از کتاب‌های مهم پزشکی در ایران بوده است. نسخه‌های خطی بسیار، چاپ‌های متعدّد و ترجمه‌ی آن به زبان عربی و ترکی که اندکی پس از نگارش آن صورت گرفت، اهمیت آن را نشان می‌دهد. این کتاب هنوز هم نزد پیروان پزشکی سنتی، اعتبار بسیاری دارد (۱).

مؤلف بارها در این کتاب از نظریات پدرش میرمحمد زمان

دارالمرز، لرستان، ماوراءالنهر، جرجان و قزوین و گویش‌های پهلوی، تبریزی، کرمانی و زابلی (۱-۲).

مؤلف کتاب، دانشمند حکیم، سید محمد مؤمن بن امیر محمد زمان حسینی دیلمی تنکابنی مازندرانی از اطباء بزرگ شیعی مذهب است (۳). اصل خانوادگی او از شهر دیلمان واقع در لاهیجان می‌باشد. خاندان و اجدادش از آن سرزمین به سمت اصفهان حرکت کرده و چون شهر اصفهان، پایتخت پادشاهان صفوی بوده است، در آن‌جا ساکن شدند (۱).

به نوشته‌ی خود مؤلف در دیباچه‌ی کتاب، اجدادش در دربار پادشاهان صفوی طبیب مخصوص بوده‌اند و از این‌جا معلوم می‌شود که او در شهر اصفهان متولد شده است. حکیم مؤمن علم طب را نزد پدر و سایر افراد خاندانش که همه از پزشکان بوده‌اند، تحصیل نمود و چنان در علم طب تجربه پیدا کرد که از اطباء حاذق و کاردان و پزشکان بصیر و دانای عصرش گردید و بر همکاران خود تفوق یافت. مرحوم محمد مؤمن تنکابنی علاوه بر علم طب، در علم کلام هم تبحر داشته است. وی پزشک مخصوص شاه سلیمان صفوی بوده است.

پدرش علاوه بر این‌که از اطباء خوب بود، صاحب تألیف هم بوده است و نوشته‌های او را فرزندش جمع‌آوری کرده است. جد حکیم مؤمن در دربار صفویه پزشک مقرّب بوده است. فرزندان او هم به پیروی از اجداد خود، علم طب موروثی خاندان خود را هم‌چنان حفظ کردند و با بررسی کتب تراجم و تاریخ می‌توان آن‌ها را جستجو کرد (۳).

در مورد سال وفات و مدفن حکیم مؤمن باید گفت سال وفات و مدفن این مرد بزرگ هنوز به دست نیامده، زیرا توسط هیچ‌یک از مورخین ثبت نشده است (۳).

حکیم مؤمن برای نگارش کتاب "تحفه‌المؤمنین" براساس مقدمه‌ی چاپ‌های سنگی آن از ۲۴ کتاب و رساله استفاده کرده است، اما مؤلف در متن کتاب جز نقل قول‌هایی که از منابع نامشخص ذکر کرده، بارها از حدود هشتاد مؤلف یا کتاب نام برده است (۱،۳). علاوه بر مطالبی که از کتب پیشین نقل قول شده است، مؤلف به بیان تجربیات و نوآوری‌های خود نیز پرداخته است. مؤلف در قسمتی از مقدمه‌ی کتاب بیان نموده:

مخفی نماند که هرچه مجرب دیگران است به لفظ گویند مجرب است یا مجرب دانسته‌اند ادا می‌شود و آنچه حقیر تجربه نموده به لفظ مجرب است مذکور می‌سازد. نوآوری‌های حکیم مؤمن بیشتر در قسمت مرکبات به چشم می‌خورد و به این منظور از لفظ "اختراع حقیر" استفاده نموده است (۱).

در این‌جا به گوشه‌ای از تجربیات و نوآوری‌های حکیم سید محمد مؤمن تنکابنی که در کتاب تحفه‌المؤمنین به آن اشاره گردیده پرداخته می‌شود.

## ۲. نوآوری‌ها و مجربیات در قسمت مفردات

- طلای آبنوس جهت تجفیف و گوشت آوردن قروح خبیثه و منع جوشش‌های پر آب و آبله کردن اعضاء مجرب است.
- طلای ابرون جهت بادسرخ که تیغ زده، خون آن موضع با آب او مخلوط گردد مجرب است. هفت عدد از برگ اثلث مسهل قوی و مجرب است.
- جلوس بر روی آجر گرم جهت زحیر رطوبی بارده و ریخی مجرب است. خصوصاً وقتی که روغن گل بر آن ریخته باشند و چون آجر آب دیده را بسیار تافته در آب یا در شراب اندازند که آب را به جوش آورده و سر را به بخار آن بدارند، معرق قوی در تحلیل مواد بارده‌ی دماغی و نزلات مزمنه و درد سر کهنه بی‌عیدیل و مجرب است.
- ضماد احریض با عسل جهت قوبا و با ماست بر مئانه جهت احتباس بول مجرب است.
- ده روز خوردن ارز با شیر تازه جهت تولید منی مجرب است.
- طلای اسفیداج الجصاصین با آب جهت بادسرخ و اورام حاره مجرب است.
- چون جوف عنصل را با سرکه کوبیده در حمام بر بهق بمالند، بهقی که هیچ دواپی آن را زایل نکند، برطرف سازد و مجرب است.
- چون اسقیل را کوبیده با سرکه حب‌ها بسازند و یک عدد آن را در میان انجیر گذاشته یک روز در عسل رقیق خیسانیده بیرون آورند و انجیر را بکنند و بعد از آن آب گرم بر اثر آن بنوشند یا آبی که در آن بوره جوشانیده باشند، بیاشامند رفع قولنج صعب نماید و مجرب است. چون آس را با آمله یک

- هفته خیسانیده در روغن کنجد بالسویه بجوشانند تا روغن بماند، جهت رویانیدن مو مجرب است.
- حمول افستین با موم جهت حب القرع و ضماد او با آب جهت شری و بخار مطبوخ او با شراب جهت درد گوش و طلای مطبوخ او در میفختج جهت درد چشم و با غسل جهت رفع اثر بنفشی تحت پلک چشم و در سرکه جهت مفاصل حار و ساییده‌ی او با موم و روغن جهت درد تهی‌گاه و درد جگر و درد معده‌ی کهنه مجرب است. اقط با پشم سوخته و جو سوخته بالسویه جهت حزاز مجرب است بدین ترتیب که اول سر را به روغن گل سرخ چرب کرده، بعد از آن طلا کنند.
- چون الیه را ورق کرده بر عضو ببندند تا دنبه متعفن شود، جهت تشنج یبسی و کزاز و مواد متحجره، مجرب است.
- تخم انجره جهت ربو و آلات تنفس و استسقاء و علل گرده و سپرز و اخراج ماء اصفر و بلغم لزج مجرب است.
- چون بادنجان را مهراً پخته مضمحل شود و صاف نموده آب آن را با روغن زیتون بجوشانند تا آنها سوخته شود، در رفع ثالیل مجرب است، خصوصاً شب از نفل او ببندند و روز به آن روغن چرب کنند.
- هرگاه بادنجان زرد شده را خالی کرده و جوفش را به روغن تخم کدو پر کرده، قریب به یک روز در تنور گرم بگذارند و روغن را از او استخراج نمایند جهت رفع درد گوش مجرب است.
- تخم بالنگو جهت اسهال دموی و معدی که از امعاء باشد با گلاب مجرب است. دو درهم گل برنجاسف با غسل مخرج اقسام کرم معده و مجرب است.
- چون سه مثقال بسفایج را جوشانیده با فلوس خیارشنب و یا با ترنجبین جهت ریاح و بواسیر و درد معده مزمنه و صرع مجرب است.
- چون بستان افروز را کوبیده در یک رطل شیر خیسانیده شب در مهتاب گذاشته، بنوشند و سه روز به دستور و زیاده بر آن مداومت کنند، جهت رفع حرقة البول و بول الدم مجرب است.
- ضماد کوبیده غیر مقشر بطیخ بغایت جالی بشره و جهت کلف مجرب است.
- چون آب بلح را با آب غوره بجوشانند تا غلیظ گردد و در چشم کشند، جهت قطع دمعه و جرب و سلاق مجرب است.
- چند روز مداومت نمودن دو درهم تا چهار درهم بنفسج با آب سرد جهت رفع اسهال صفاوی لذاع مجرب است.
- طبیخ تمر با حلبه جهت تب بلغمی و حصات مجرب است. چون آب ریشه‌ی توت را که از شکافتن گرفته باشند، بقدر هفت اوقیه با برگ انجیر و برگ تاک بقدر یک اوقیه در دیگ کنند و سرپوش او را به خمیر گرفته بجوشانند تا به سدس رسد خضاب بغایت قوی و مجرب است.
- سنون جرمیلک در یک دفعه و دو دفعه رافع تعفن بن دندان و رویاننده‌ی گوشت او و از مجربیات است و در این امر چیزی به او نمی‌رسد.
- لعوق جمیز که برگ و شاخ‌ها و ثمر او را جوشانیده، آب آن را با شکر به قوام آورده باشند، جهت ربو و ضیق‌النفس و سرفه‌ی مزمن و گرفتگی آواز از مجربیات است و یک مثقال از برگ مسحوق او با آب قاطع اسهال و مجرب است.
- طلای حجرالبقر جهت بهق و برص و بواسیر و التیام جراحات و با آب گشنیز جهت حمره و نمله ساعیه و امثال آن و با شراب جهت رویانیدن موی سیاه در موضع برص و داء‌التعلب بعد از کندن موی سفید از مجربیات است.
- خوردن حجرالبقر هر روز به قدر دو حبه با جلاب بعد از حمام بلافاصله یا در حمام تا چند روز و از عقب آن گوشت آب مرغ فربه آشامیدن باعث تسمین بدن و از مجربیات است.
- چون پانزده روز صاحب عرق النساء هر شب یک مثقال و نیم از حرمل ناکوفته تناول نماید، رفع آن علت نماید و مجرب است.
- ثمر خلاف جهت اسهال دموی مجرب است.
- یک درهم ساییده بیخ خولنجان با یک اوقیه شیر گوسفند ناشتا بنوشند در تحریک باه مجرب است.
- یک درهم از استخوان دانه خوخ، جهت اسهال مجرب است.
- شرب آب مطبوخ یک درهم دارشیشعان با شکر رافع درد معده بارده مایوس‌العلاج و مجرب است.
- پرده‌ی چینه‌دان دجاج که خشک باشد با شراب جهت رفع درد معده از مجربیات است.

و به اضافه قرطم جهت اخراج بلغم لزج و منع شری و تفتیح سدد و با عناب و انجیر و سپستان و پرسیاوشان جهت سعال و درد سینه مجرب است.

- چون بیخ شوکران را با بزرالبنج از هر یک پنج درهم کوبیده و با صد و پنجاه عدد مویز بزرگ دانه و صد و پنجاه مثقال آب بجوشانند تا آب بسوزد و مویز را خشک کرده و از ادویه جدا سازند، مسکر قوی و در استمساک منی مجرب است.
- چون شیطرح را کوبیده در کف دست مخالف دندان دردناک کرده، به دستور به طرف مخالف آن تا صبح بگذارند رافع الم آن و مجرب است.
- صبر با استخوان پوسیده، بالسویه رافع بواسیر و نواصیر و جهت آکله مجرب است.
- طلای سرگین ضان جهت تحلیل اورام و استسقا و التیام زخم‌ها و با سرکه جهت شری و با موم روغن جهت ثلیل و لحم زاید که توثه نامند و با سرکه جهت سوختگی آتش و دفع داخس مجرب است.
- طبیخ بیخ طرفا با سرکه جهت سپرز و یرقان و رفع سدد و ورم صلب جگر مجرب است.
- سه دفعه بخور برگ طرفا جهت ساقط کردن دانه بواسیر و ثلیل مجرب است.
- روغن عقرب که زنده‌ی او را بعد از بیست و شش ماه در روغن زیتون که به ازای هر عدد ده مثقال باشد انداخته و چهل روز در آفتاب گذارند، جهت عرق النساء و فالج و بواسیر مجرب است.
- چون علک‌البطم را ضماد کنند، جهت کجی ناخن و درد اعضاء و شقاق مزمن، خصوصاً با قدری شنجراف مجرب است.
- شرب آب طبیخ برگ عناب هر روز نیم رطل با قدری شکر در عرض پنج روز رافع خارش بدن و مجرب است.
- چون ترب را سوراخ‌ها کرده چهار درهم تخم شغلم را در آن جای داده، ثقبه‌ها را با پاره‌های ترب مسدود نموده و خمیر بگیرند و در زیر آتش بپزند و با غسل تناول نمایند، در اخراج سنگ گرده و مثانه مجرب است و باید سه روز به دستور سلوک نمایند.

- خشک کرده‌ی خون مرغ و خروس را سعوط نمودن جهت قطع رعاف مجرب است. آب دلفی را با روغن زیتون به قدر نصف آن آب جوشانیده باشند که آب سوخته باشد، جهت قرطسه که مقدمه‌ی کچلی است و جهت جرب و حکه و رفع برص از مجربیات است.
- چون سر انار شیرین را سوراخ کرده و به دفعات به قدری که گنجایش داشته باشد، روغن بادام شیرین در او ریخته و بر روی آتش گذارند تا روغن را جذب کند و به حدی رسد که دیگر جذب نتواند کرد، مکیدن او جهت درد سینه و سرفه از مجربیات است.
- طبیخ بیخ انار در دفع کرم معده از مجربیات است.
- چون پوست انار ترش را با مازو بالسویه ساییده و در سرکه بجوشانند تا مهراً شود و منعقد گردد و به قدر فلفلی حبها ترتیب داده، پانزده عدد و زیاده از آن جهت رفع اسهال مزمن و سحج مخوف و قرحه امعاء و مقعد مجرب است.
- کوبیده‌ی کشمش با صبر جهت کچلی سر مجرب است.
- طلای زبدالبحر با سرکه بر بدن جهت لاغر گردیدن و اذابه لحم از مجربیات است.
- بخور بیخ زرنباد، جهت گریزانیدن مورچه که دیگر عود ننماید مجرب است.
- طلای زرنیخ سرخ با بول حمار و به دستور با آب بیخ سیر تازه بعد از کندن موی جهت منع رویانیدن آن مجرب است.
- زنجبیل با خولنجان و پسته، جهت تقویت باه از اسرار مجرب است.
- برگ و گل سطاریون را چون کوبیده ضماد نمایند، جهت گزیدن عقرب و زنبور و رتیلا و سایر هوام شرباً و ضماداً مجرب است.
- طلای آب سفرجل که گرم کرده استعمال نمایند، جهت رفع تهیج اطراف و سوءالتقینه مجرب است.
- بریان کرده‌ی سفرجل در آتش به قدری که رنگش تیره شود جهت قطع اسهال مزمن مجرب است.
- یک مثقال از مسحوق سنا با غسل که سه روز تا یک هفته هر روز بیاشامند، جهت مفاصل و امثال او مجرب است.
- مطبوخ شعیر با نصف او خشخاش کوبیده، جهت صداع حار

قوت هاضمه و سایر قوت‌های طبیعی و حیوانی و نفسانی نماید و با قوت تریاقیت باشد و مفتوح و مفرح و مدر و جالی و ملطف و منوم و مشهی و بالخاصیه مسکن عطش در جمیع امزجه است و به حرارت و یبوست شراب نیست و در رفع اکثر علل احشاء بיעدیل و قوی‌التأثیر است و بر واقفان امزجه و خواص ادویه و قدرشناسان مقدار شربات اجزای او و حسن ترکیب و مستخرجان ارواح لطیفه عقاقیر از اجساد کثیفه و دانایان مصلحات شریفه ترتیب آثار مذکوره آن مخفی نخواهد بود. سنجد و زردک هر یک دو من شاه بعد از طبخ بلیغ با دو من شکر و صندل سفید رنده کرده و گل سرخ و گل گاوزبان و بادرنجبویه و رازیانه و دارچینی و کبابه و سعد که به ترکی طپلاق گویند و بهار نارنج و گل سنجد از هریک صد و پنجاه مثقال و برگ و پوست ترنج اگر نباشد، نارنجک شیرازی و آلا برگ و پوست نارنج سیصد مثقال و جوزبوا و مو که ریشه والا گویند، از هر یک هفتاد و پنج مثقال را نیم‌کوب کرده و اضافه نمایند. سوای برگ نارنج که روزی که عرق کشند، باید کوبیده و مخلوط نمود، مع علف هندی از چهل مثقال تا هفتاد مثقال و مجموع آب تا شش من باید با آنچه زردک را بجوشانند تا ترش و متعفن نشود. پس در خمی کرده هر روز مکرر بر هم زنند تا مانع جوشیدن او گردد و در هوای گرم تا هفت روز بگذارند و در هوای سرد تا ده یوم و هر چند کم آب‌تر باشد، قویتر می‌شود پس به دستور گلاب عرق بکشند و اگر عنبر بر دهن نیچه ببندند، بهتر است و روغن این عرق در غایت خوبی و عطریّت مشاهده شده و چون بعد از عرق کشیدن ثفل آن را با یک من و نیم شکر مخلوط نموده و بعد از سه چهار یوم به اضافه پوست ترنج یا نارنج یا برگ نارنج یا نارنجک به قدر نیم من بار دیگر عرق بکشند، همان آثار بر آن مترتب است.

• معجون مسمی به تریاق المعده که حقیر ترکیب نموده و جهت تقویت معده و جگر و احشاء و تشنج و فالج و نسیان و لقوه و تقویت باه و رفع زهرها و حفظ حرارت غریزی و تحلیل ریاح و درد احشاء و ضعف بدن بיעدیل است و در اول سیّم گرم و موافق مبرودین و قدر شربتش از نیم درهم

- پوست سفید صلب فستق که طبخ مفرط داده باشند، جلوس در آب او جهت خروج مقعد مجرب است.
- مضمضه‌ی فلفل که با پوست خشخاش جوشانیده باشند، جهت درد دندان مجرب است.
- پوست خشک سوخته‌ی قرع در قطع نزف‌الدّم جراحات و رفع آکله و زخم‌ها مجرب است.
- جلوس در طبیح قطن جهت اختناق رحم و بخور او جهت زکام و سوخته‌ی او در قطع خون جراحات مجربست و چون فیتله از آن ساخته یک طرف آن را آتش زده، طرف دیگر بر ثالیل گذارند، بحدی که قریب به داغ رسد و سه روز تکرار کنند، در رفع ثالیل مجرب است.
- چون نیم مثقال کرفس بستانی با نیم مثقال نانخواه و یک مثقال شکر تناول کنند، جهت تقویت معده و رفع ریاح مجرب است.
- پوست رز جهت قطع خون لثه مجرب است.
- خوردن کرویا بقدر سه درهم با روغن زیتون که به‌قدر یک اوقیه باشد تا یک هفته جهت اول استسقاء مجرب است.
- چون نانخواه در آب لیمو به‌قدری که یک انگشت او را بپوشاند بخیسانند و خشک کنند و هفت بار تکرار نمایند، جهت اعاده‌ی اشتهای مایوسین مجرب است. اهلیج اصفر در حقه اسهال کرائی که با سده و نهایت وجع امعاء بوده باعث رفع علت می‌شود.
- چوب چینی در بروز فرمودن خصیه و رفع سمیت خلط و اختلاط ذهن مکرر حقیر تجربه نموده و علاج مایوسین به او شده است.
- چون آب کاسنی تازه را جوشانیده و کف گرفته و با گل‌قند و سکنجبین بنوشند، جهت تب ربع که از احتراق صفرا باشد مجرب است.

### ۳. نوآوری‌ها و مجربات در قسمت مرکبات

- دستور گرفتن عرقی که مسمی به ماء‌الحیات است و از مخترعات حقیر است و در جمیع منافع بهتر از شراب است و مسکر نیست چه در ترکیب آن مراعات بلیغ شده که مانند شراب، تغذیه و تقویت باه و تقویت اعضای رئیسه و

تا یک مثقال است: قسط تلخ، سنبل الطیب، مصطکی، سلیخه، حب، زنجبیل، قرنفل، بسباسه، کنیرا مکد ۲ ل، زراوند طویل، فلفل سیاه، بزر کرفس، انیسون، نانخواه، زیره‌ی کرمانی، فطراسالیون، اسارون، کبریت زرد، انجدان، پودنه، نعناع، بزراالانجره و کندر مکد ۴ ل، دوقو، فقاح اذخر، مرصاف، افیون مکد ۳ ل، عود هندی، فلفل سفید مکد ۵ ل، زعفران یک ل و نیم و مشک، فرفیون مکد یک مثقال با دو وزن ادویه‌ی عسل کف گرفته بسرشد.

● معجون حافظ الأجساد که تألیف حقیر است و جهت انواع سدد ماساریقا و جگر و ضعف و برودت جگر و امراض معده و سوءالقنیه نافع است و این معجون را خواص کثیره و منافع جلیله است و مثل این در این باب‌ها دیده نشده. دارچینی و اصل‌الکبر از هر یک پنج مثقال، زعفران دوازده ل، فو، مؤ از هر یک چهار ل، سنبل الطیب شش ل، انیسون چهار ل، دوقو چهار ل، ربّ السوس و عصاره غافث و جعده از هر یک سه ل و مرصاف چهار ل، روغن بلسان چهار ل و اگر یافت نشود بجای او زیت کهنه کنند و با عسل بسرشد و قدر شربت یک مثقال نافع است، باذن الله تعالی.

● اطریفل زمانی: تألیف حقیر که مسمی به اسم والد خود ساخته و مسهل صفرا و بلغم و سودا و منقی دماغ و معده و مداومت آن جهت قطع نزلات مجرب و مانع صعود بخارات به دماغ است و چون بعد از اغذیه تناول نمایند، مضرت نمی‌رساند و جهت اقسام مالیحولیا خصوصاً مراقی و قولنج رحم بغایت نافع و قوتش تا دو سال باقی است و قدر شربتش جهت اسهال اخلاط از چهار ل تا شش ل و چون مداومت نمایند، هر روز از یک ل تا دو ل موافق جمیع امزجه است. صفت آن: هلیله زرد و کابلی و سیاه و گل بنفشه و محموده مشوی از هر یک ده ل، تربد سفید خراشیده و به روغن بادام چرب کرده و گشنیز خشک از هر یک بیست ل، پوست بلبله، آمله مقشر، گل سرخ، طباشیر و گل نیلوفر از هر یک پنج مثقال، صندل سفید، کنیرا از هر یک ۳ ل، روغن بادام شیرین سی ل، ادویه را کوفته و بینخته، عناب صد عدد و سپستان ۱۰۰ عدد و گل بنفشه ده ل را جوشانیده و صاف نموده و با یک وزن و نیم شیره‌ی هلیله و

یک وزن عسل کف گرفته به قوام آورده بسرشد.

● معجون مسهل: از تألیف حقیر جهت امراض حاره و مواد سوداوی بعد از نضج و قدر شربت تا پنج ل و جهت قولنج بسیار نافع است. صفت آن: سناء مکئی و گل بنفشه از هر یک سی ل، گل سرخ و بسفایح از هر یک پنج ل، مغز تخم کافشه بیست ل، نشاسته، محموده مشوی و ربّ سوس از هر یک پنج ل، هلیله‌ی سیاه و پوست هلیله‌ی کابلی و روغن بادام از هر یک بیست ل، عسل دو وزن ادویه با آبی که در آن سنا ده ل و گل سرخ و بنفشه و هلیله‌ی سیاه ده ل و هلیله‌ی کابلی بیست ل جوشانیده باشند به قوام آورده بسرشد.

● معجون اذراقی: تألیف حقیر و جهت قطع عادت افیون بغایت مجرب است و در رفع استرخا و فالج و امراض بارده و درد مفاصل و عرق‌النساء و سلس‌البول بغایت نافع است. اذراقی که کچوله نامند، در شیر خسیانیده و پوست را جدا کرده به سوهان ریزه کرده و بعد از آن نرم صلایه نمایند. گل گاوزبان ۳ ل، هیل ۲ ل و زرنباد ۳ ل و عود هندی ۱ ل و اسطوخودوس ۳ ل و قرنفل ۱ ل و کنیرا ۳ ل و نارجیل ۳ ل و شقاقل ۳ ل و صندل سفید ۱ ل و آمله‌ی مقشر ۵ ل و هلیله‌ی سیاه ۵ ل و عسل سه وزن ادویه از یک ل تا دو ل مداومت نمایند.

● فلونیای مجرب: قریب‌الأعتدال و موافق امزجه حاره و بارده که حقیر ترتیب داده است و مسمی به حافظ الأرواح نموده. بزراالنج، فلفل سفید، افیون، زعفران، گشنیز خشک، صندل سفید، دارچینی، طباشیر، سنبل الطیب، گل سرخ، خشخاش، جلغوزه، نارجیل، زرنباد، درونج، گل گاوزبان، بسباسه، عود قماری، سازج هندی، حبّ بلسان، عود بلسان، سعد، زرنب، قسط بحری، جوزبوا، لسان‌العصافیر، آمله به شیر پرورده، دارفلفل، سلیخه، اسارون، فوفل، زنجبیل، رازیانه، انیسون، قرنفل، فرفیون، پوست ترنج، پوست پسته، ورق نقره، مشک، بهمن سرخ و سفید، وج، تخم بادرنجبویه، بوزیدان، عسل سه وزن ادویه و جهت بعضی این ادویه اضافه شده: کهربا، یاقوت، مروارید، لعل، بسد، عقیق، ورق طلا، عنبر اشهب.

● معجون راح المؤمنین: که تألیف حقیر است و معتدل مایل

- به رطوبت جهت تقویت باه و اشتهای طعام و تفریح مفید و نفع می‌کند جهت سعال و نزله و سوءالنفس و خفقان و غیره و اصلاً او را مضرّتی نیست و به تجربه رسیده. لسان الثور و خصیه الثلعب از هر یک ۵ ل، شقاق ۲۰ ل، تخم جزر ۱۰ ل، نارجیل، دارچینی و حبّ صنوبر کبار از هر یک ۱۰ ل، جوزبوا و کتیرا و اصل السوسن الآسمانجونی از هر کدام چهار ل، ادویه را کوفته پنجاه ل پوست خشخاش را جوشانیده صاف کرده و بیست و پنج مثقال شیرهی تخمش را در او گرفته و ثقلش را بیاندازند. پس با عسل ۲۲۰ ل و آب سیب شیرین ۱۰۰ ل و آب زردک صد و پنجاه ل به قوام آورند پس با ادویه سرشته و نیم ل مشک بر او پاشند و اگر خواهند بدل خشخاش اصل شوکران که بیخ تفتی گویند یا بیخ شبیبی و برگک شیرازی و امثال او بقدر لایق اضافه نمایند.
- معجون سرور: از تألیف حقیر و مبهی و مشهی و هاضم و با نشاط و مقوی احشاء و مفرّج و جهت سرفه و آلات تنفس نافع. در اوایل دویم گرم و مایل به رطوبت و موافق اکثر امزجه است. صفت آن: جوزبوا و بنفشه از هر یک ۶ ل با هم باید کوبید و با ۲ ل روغن بادام ۲ ل زنجبیل را کوبیده چرب نمایند و دارچینی، اسارون و لسان العصافیر از هر یک ۲ ل و عود قماری، قرنفل، خولنجان، بهمن سرخ و سفید، انیسون از هر یک ۱ ل، خصیه الثعلب ۲۲ ل، شقاق ۲۵ ل و اگر مرّبا باشد بهتر است، کتیرا و نعنای خشک از هر یک ۲ ل با عسل کف گرفته ۷۵ ل و دوشاب زردک ۷۵ ل و اگر دوشاب زردک نباشد عسل را صد و ده ل باید کرد.
- مفرّج بارد: که مسمی به مفرّج سیب است از تألیف حقیر و جهت سدر و دوار و منع بخار بغایت مجرب است. صفت آن: گل سرخ ده ل، زرشک بیدانه، فوفل، صندل سفید، طباشیر، گل ارمنی، بادرنجبویه، پوست پسته، پوست ترنج مکد از هر یک سه ل، گشنیز خشک، تخم خرفه، گل گاوزبان، آمله مقشّر مکد از هر یک ۵ ل با ۱۰۰ ل شربت سیب بسرشد، شربتی ۲ ل و طلای محلول و نقره‌ی محلول و فادزهر معدنی مکد ۱ ل و عنبر اشهب نیم ل در بعضی مزاج اضافه می‌شود.
- مفرّج زمردی بارد: از اختراعات حقیر و جهت امزجه حارّ و منع بخار سوداوی و تعدیل مزاج جگر و اعضای رئیسه و نزلات حارّ بغایت نافع است. صفت آن: آمله که به گلاب پرورده باشند، خشخاش سفید، تخم خرفه و گشنیز خشک مکد بیست ل، مغز تخم هندوانه، تخم خیار، مغز تخم کدو، گل مختوم یا داغستانی، ابریشم مقرضّ محرق، بهمنین، پوست نارنج، گل گاوزبان، فادزهر معدنی، طباشیر مکد ۵ ل، عصاره‌ی زرشک و تخم کاهو مقشّر، نشاسته، گل سرخ، کنجد و نیلوفر کبود ده ل، زمرد و ورق نقره از هر یک دو ل، مشک و کافور مکد نیم ل، عنبر اشهب یک ل با شیره ترنجبین و شیرخشت و شربت سیب و امثال آن ۴۰۰ ل بسرشد و در بعضی امزجه مروارید و کهربا و مرجان مکد ۴ ل و ورق طلا و عنبر دو ل اضافه نموده‌اند.
- حبّ المقل: از مجربّات والد مرحوم حقیر و جهت صاحب بواسیر که از اعتقال طبیعت آزار داشته باشد مجرب است. آمله مقشّر، پوست هللیله‌ی زرد و سیاه و پوست هللیله‌ی کابلی و پوست بلبله و تخم گندنا از هر کدام ۵ جزو، مقل ازرق ۴ جزو. مقل را نیم‌کوب کرده در آب گندنا‌ی ناشسته بخیسانند و روز دیگر در هاون بکوبند که به طریق مرهم شود و ادویه را در آن بسرشد و حیّی به مقدار نخودی سازند و هر روز در خلاء معده ۴ عدد تا پانزده عدد فرو برند و از چیزهای سوداوی اجتناب نمایند.
- حبّ الفالّج: از تألیف‌های والد مرحوم و جهت کسی که در جانب راست او فالّج به هم رسیده باشد و قادر بر تکلم نباشد و زبانش ثقل به هم رسانیده باشد مجرب است. تربد ابیض ۶ ل، سورنجان ۳ ل، حبّ التّیل ۳ ل، ایارج فیکرا ۴ ل، شحم حنظل ۲ ل، شیطرح، بوزیدان، وج، عاقرقرحا، دارفلغل از هر یک ۱/۵ ل، سکیننج، جاوشیر، مقل ازرق از هر یک ۴ دانگ، فریبون و جند بیدستر از هر یک نیم ل. ادویه را کوفته و به حریر بیخته و صموغ را در آب گندنا حل کرده و با او ادویه را بسرشد و حبّ‌ها سازند و قدر شربت ۳ م با آب گرم.
- حبّ لاجورد: جهت اسهال صفراوی غلیظ و سودا و بلغم از مخترعات حقیر است. لاجورد غیرمغسول ۲ ل، مصطکی ۲

است و بهترین نسخه‌ها و معمول حقیر و جهت تب‌های حاره و حصبه و آبله و تب دق و حرقه‌بول و تشنگی و تسکین التهاب اخلاط محترقه و سعال و ذات‌الجنب مفید است. گل سرخ ۳ ل، طباشیر، نشاسته، تخم خرفه از هر یک ۵ ل، مغز تخم کدو، تخم هندوانه، تخم خیار، تخم گشنیز از هر یک ۳ ل، گل بنفشه ۱۰ ل، صندل سفید، کتیرا از هر یک ۲ ل، ترنجبین ۱۰ ل، رب سوس ۲ ل، فوفل و زعفران از هر یک ۱ ل با شیرهی جو قرص سازند و از ۱ ل تا ۲ ل بنوشند.

• قرص شادنج: از مخترعات حقیر جهت تب دق و سل و قطع سیلان خون هر عضو باطنی و اسهال مراری و ذویان و تب‌های دموی و سرفه حار مجرب است. گل سرخ، تخم خرفه، گشنیز خشک، خشخاش سفید، نشاسته، طباشیر، طین ارمنی مغسول، طین رومی و طین شیرازی هر یک ۵ ل، سرطان سوخته ۱۰ ل، کتیرا، رب سوس، صمغ عربی، شادنج مغسول، انجبار و شاخ گاو کوهی سوخته از هر یک سه ل، بزرالنج، افیون و زعفران از هر یک ۱ ل با لعاب بزرقطونا قرص کنند و قدر شربتش ۱ ل.

• قرص مسهل: تألیف حقیر و در امراض حاره و تب‌های گرم و مرگبه و رفع قولنج ثقلی به‌غایت نافع و سریع العمل و بیغایله و بهترین اقسام قرص‌های مسهله است. بنفشه ۵ ل، مغز تخم کدو، تخم خیار، نیلوفر، مغز تخم هندوانه از هر یک ۳ ل، تخم خرفه، گل سرخ، طباشیر، کتیرا از هر یک ۲ ل، گشنیز خشک، مصطکی و انیسون از هر کدام یک مثقال، حب الملوک نه عدد پاک کرده مشوی به طریق حکمای هند که در دستورات مذکور است با لعاب بزرقطونا قرص ساخته و از نیم ل تا یک ل با شیرها و آب‌های مناسب استعمال نمایند و اگر حب الملوک را با کتیرا و انیسون و مصطکی ساییده دو سه روز در آب لیمو بخیسانند بهتر از تشویه او است.

• قرص مروارید: تألیف حقیر و جهت تب دایمی و بواسیر و دق و اسهال نافع است و بغایت مجرب است. طباشیر، گل سرخ از هر یک ۶ ل، گل ارمنی ۴ ل، مغز تخم کدو، مغز تخم خیار از هر یک ۳ ل، صندل سفید ۱ ل، تخم خرفه ۳

ل، گل سرخ نیم ل، پوست هلیله‌ی زرد نیم ل، بسفایج ۱ ل، پوست هلیله‌ی کابلی ۲ ل، غاریقون سفید ۲ ل، تربد محکوک ۲ ل، صبر زرد ۴ ل و اسطوخودوس ۱ ل، عود قماری، سناء مکی، گل بنفشه، افیمون از هر یک ۲ ل و کتیرا نیم ل با آب سیب حب ساخته از ۲ ل تا ۳ ل.

• حب نشاط: جهت سرفه‌ی حار و نزلات و سل و قوت هاضمه و نشاط و باه محرورین و منع اسهال و تعدیل مزاج سوداوی نافع و از تألیفات حقیر است. کتیرا ۵ ل، افیون ۷ ل، صمغ عربی، رب‌السوس، نشاسته از هر یک ۵ ل، حب محلب، مروارید، کهربا، یاقوت از هر یک ۱ ل با لعاب بهدانه حب سازند و مشک یک دانگ گاهی اضافه می‌شود.

• حب عطایی: جهت سرفه‌ی رطوبی و ضیق‌النفس به‌غایت نافع و مجرب است و از تألیف جد حقیر میر عطاءالله (ره). علك‌البطم ۱ ل، میعه سایله، کندر، مرصاف از هر یک ۳ ل، زراوند مدحرج، افیون از هر یک ۱ ل حب ساخته از یک دانگ تا نیم مثقال تناول نمایند و با اشربه موافقه سریع‌الأثر است.

• حب عنبر: مخترع حقیر جهت نعوظ مجرب است و بعد از شش ساعت نعوظ می‌آورد تا دوازده ساعت و چون با آب سرد خود را بشویند نعوظ برطرف می‌شود و چون در دهان نگاه دارند در عرض یک شبانه روز آب نمی‌شود و دهان را بسیار معطر می‌سازد و بسیار خوشمزه است و جمعی کثیر از اطباء جهت نواب خاقان خلد آشیان صاحبقرانی به جهت این امر حب‌ها ترتیب نموده هر یک بی‌علتی نبوده، بعضی زود آب می‌شد و بعضی با اندک وقتی نرم می‌شد و بعضی بدمزه بود و این حب بغایت مستحسن طبع شده و فی‌الواقع بی‌تعدیل است. از پنیرمایه‌ی شتر اعرابی ۲ ل، عنبر اشهب ۲ ل، مشک ۱ ل، خصیه- الثعلب ۲ ل، خولنجان ۲ ل، مصطکی ۱ ل و قرنفل ۱ ل به‌قدر مغز فندقی حب سازند و روزی یک عدد تناول نمایند و از عقب او شراب یا شیر تازه یا آب تره تیزک یا آب نخود خیسانیده بنوشند و از این حب تا نیم مثقال می‌توان خورد و مرطوب المزاج زیاده میل می‌توان نمود.

• قرص طباشیر ملین: تألیف مرحوم میر عطاءالله جد حقیر

ایام شرب این سفوف از آب اجتناب نمایند.

- سفوف: تألیف حقیر جهت تب دق و سل و سرفه که با تب باشد و جهت لینت طبع و منع نزلات حارّه مجرب است و قدر شربتیش ۲ ل تا ۳ ل. باقلى ۷ م، کنیرا و نشاسته ۴ م، صمغ عربی ۴ م، تخم خطمی ۲ م، مغز تخم کدو ۴ م، مغز تخم هندوانه ۴ م، ربّ سوس ۴ م، خشخاش سفید ۱۰ م، مغز دانه‌ی به ۴ م، مغز بادام ۲ م و طباشیر ۴ م، مغز تخم خیار ۴ م، سرطان محرق ۱۰ م، عصاره‌ی لحيه التّيس ۴ م، گلنار ۲ م، افاقیا ۲ م و گل ارمنی ۴ م.
- سفوف نانخواه: از مجربّات حقیر جهت ریح و درد معده و سپرز و تقویت هاضمه و رفع وخز و نخس بخارات بغایت نافع است. نانخواه و تخم کرفس بالسّويه با مثل او قند سفوف کنند.
- سکنجبین انجدانی: تألیف حقیر است و در رفع تب مجربّ و جهت امراض سپرز بיעديل است. انجدان ۲۰ را نیم‌کوب کرده و شب در سرکه ۹۰ و آب ۹۰ خیسانیده و روز دیگر بجوشانند تا به نصف رسد، بعد از آن صاف نموده با دوشاب انگوری ۱۲۰ ل به قوام آورند و هر روز ده ل را با آب شاهتره یا شیرهی تخم کرفس و اگر حرارت غالب باشد با کاسنی و امثال او استعمال نمایند.
- شربت عنصل: نوعی دیگر که مخترع حقیر است و جهت سرفه کهنه و ضيق النّفس و مواد سوداوی و بلغمی و سده احشاء و تقویت معده و دماغ نافع و مکرّر به تجربه رسیده و مجربّ است. پیاز عنصل، زوفای خشک، اصل-السوس، گاوزبان، پرسیاوشان، اسطوخودوس و غاریقون سفید هر یک ۱۵ ل، نعناع خشک، رازیانه، بیخ سوسن کبود و قردمانا از هر یک ۳ ل، درصد و پنجاه ل سرکه و چهارصد و پنجاه ل آب دو تا سه شبانه روز خیسانده بجوشانند تا به نصف رسد پس صاف نموده با ۳۰۰ ل شکر به قوام آورند و هر روز از ۵ ل تا ۱۰ ل با آب مطبوخ پرسیاوشان و امثال آن بنوشند.
- شربت جعده: اختراع حقیر و جهت ادرار حیض فرمودن و بول و جهت رفع عفونت اخلاط و ریح و تفتیح سدد مجربّ است. مشکطرامشیع، جعده، حرمل، قسط تلخ، ریوند

ل، مروارید، کهربا، عصاره‌ی لحيه التّيس، تخم بارتنگ از هر یک ۲ ل با ربّ مورد سرشته قرص سازند و ۱/۵ ل با شربت خشخاش و در بعضی مزاج با شیر الاغ باید داد و در بعضی مواد سرطان محرق ۳ ل، اضافه باید نمود و به جهت تب دق کافور و زعفران اضافه کنند.

- قرص قابض: تألیف حقیر و جهت اسهال دموی و صفاوی و قطع خون از هر موضعی و سرفه رطوبی و سحج و بواسیر بغایت مجربّ است. طباشیر، نشاسته، صمغ عربی، گلنار، گل سرخ، کنیرا از هر یک ۵ ل، زعفران، افیون از هر یک ۱ ل، تخم مورد، انجبار از هر یک ۳ ل، شاخ گاو کوهی سوخته ۵ ل، گل ارمنی، خرنوب نبطی، آرد کنار از هر یک ۳ ل و مازو، تخم حماض، دم الأخوين از هر یک ۲ ل با آب بارتنگ قرص سازند و ۱ ل را در هر مرضی با ادویه موافق آن مرض بدهند.
- قرص طحال: تألیف ابوی (ره) و جهت ورم و درد سپرز که با تب باشد مجربّ است. گل سرخ ۶ ل، زرشک ۳ ل، تخم خیارین ۲ ل، تخم خرفه ۲ ل، ریوند ۱ ل، طباشیر ۱ ل، لک مغسول ۱ ل، عصاره‌ی غاغت نیم ل، کافور ۱ ل، عصاره‌ی افسنتین، زعفران، ثمره الطّرفا، ایرسا از هر یک ۱ ل و سنبل-الطّیب یک ل با سکنجبین و آب کاسنی یا آب بید معصور یا آب شاهتره بنوشند.
- سفوف: جهت اسهال مراری مزمنه و بواسیری و نواصیری حارّه به بغایت مجربّ است و تألیف حقیر. گل ارمنی، ناردان بوداده، دانه‌ی انگور که از سرکه بیرون آورده باشند و بوداده از هر یک ۵ ل، سماق بیدانه، گل سرخ، صمغ عربی بوداده از هر یک ۳ ل، طباشیر، گل مختوم یا داغستانی از هر یک ۲ ل، مصطکی و عود قماری از هر کدام یک ل و قدر شربت ۲ ل با ربوب مناسبه.
- سفوف: از تألیفات حقیر. جهت حرقه بول مزمن که با چرک باشد و با او تقطیرالبول و سلسالبول نیز باشد نافع است و جهت درور منی و در امراض مذکوره چند مرتبه تجربه شده و بسیار مؤثر افتاده است. بلوط بوداده ۱۰ ل، گل ارمنی، گشنیز خشک، صمغ عربی، تخم حماض بوداده و کندر ذکر هر یک ۲ ل و بقدر ۲ ل با آب سرد استعمال نمایند و در

- چینی، تخم کشوث، تخم خربزه و تخم خیار مکد ۳ ل، ابله، تخم کرفس، رازیانه، روناس، انیسون، تخم کاسنی، قنطاریون رقیق مکد ۲ ل، مویز بیدانه و انجیر زرد مکد ۱۰ ل را در یک من تیریز آب خیسانیده بجوشانند تا به ربع رسد و با صد و پنجاه مثقال شکر به قوام آورند و هر روز ده ل آن را با آب مدرات حیض و بول بنوشند و هرگاه طبع بیس باشد با گل سرخ و محموده مشوی و غاریقون بیاشامند.
- شربت دیگر از مجرب‌ات حقیر جهت ضعف معده و جگر که با بیوست طبع و حرارت مزاج باشد به‌غایت نافع است. افسستین ۲ ل، گل سرخ ۴ ل، تمر هندی ۱۰ ل و ترنجبین ۳۰ ل جوشانیده و صاف نموده و بنوشند و مجموع یک شربت است.
  - شربت مسهل: تألیف حقیر و جهت امراض بارده و ضعف معده و دماغ و تفتیح سدد و امراض سوداوی به‌غایت نافع است و بهترین مسهلات است. گل سرخ و سناء مکئی از هر کدام ۱۰ ل، بنفشه ۲۰ ل، تربد سفید، غاریقون و افسستین رومی از هر یک ۵ ل، تخم کشوث، اسطوخودوس و مصطکی از هر یک ۳ ل، سنبل‌الطیب ۲ ل، عناب و سپستان از هر یک سی عدد، در ۴۰۰ ل آب یک روز خیسانیده بجوشانند تا به ربع رسد و با صد و پنجاه ل ترنجبین و شکر بالمناصفه به قوام آورده و ۵ ل تا ۱۰ ل استعمال نمایند.
  - نسخه دیگر که مجرب حقیر است: اناردان ترش، مویز دانه-دار و بالسویه زیره‌ی کرمانی ده یک او بسیار نرم کوبیده تا سه ل بنوشند.
  - سنون: از مجرب‌ات والد حقیر و جهت رفع درد دندان به‌غایت آزموده است. هوچوبه، زردچوبه، تخم ریحان، سریش، پوست بیخ درخت زرشک، کتیرا، بادام مقشّر و صمغ عربی از هر یک دانگی و فوفل پنج عدد بسیار نرم ساییده و استعمال نمایند.
  - سنون دیگر: تألیف والد حقیر که جهت رویانیدن گوشت بن دندان و رفع بدبویی دهان بغایت نافع است. دم الأخوین، کزمازج، انزروت، جوزالسرو، کندر، بیخ نی سوخته، طباشیر، اقاقیا، گل سرخ، گلنار، جفت البلوط و پوست انار ترش از هر یک جزوی و قصب الذریره نصف جزو وقت خواب استعمال نمایند.
- استعمال نمایند.
- سنون: تألیف حقیر و موافق اکثر امزجه است و در تسکین آلام و رفع خون و رویانیدن گوشت و منع ریختن مواد آزموده است. سعد، طباشیر، گل سرخ، تخم مورد، گلنار، فوفل، کات هندی، کزمازج و اقاقیا از هر یک جزوی و سماق سه جزو.
  - شیاف نارنج: از مخترعات حقیر است و جهت منع نزلات و حمرت و جرب و حفظ صحت چشم و سبل و دمه و رمد مزمن و چسبیدن پلک و امراض حاره مجرب است. توتیای به آب نارنج پروده ۱۰ جزو، کتیرا، نشاسته، انزروت، گل سرخ، صبر زرد، حضض مکئی از هر کدام یک جزو، سفیداب قلعی و هلیله‌ی زرد دانه‌دار ۲ جزو و افیون ربع جزو.
  - ذرور اقلیمیا: جهت بیاض و جلای بصر از تألیفات حقیر. زبدالبحر، بوره ارمنی، سرگین خطاف، مامیران، ساذج، نوشادر و شبّ یمانی از هر یک ۲ م، صدف سوخته، بسد سوخته، روی سوخته و اقلیمیای طلا مکد ۱ ل، پوست تخم مرغ ۳ ل، انزروت، صبر زرد و دارفلفل مکد یک م و نیم با غسل شهد جهت بیاض استعمال نمایند و در سایر امراض با ادویه مناسبه.
  - دهن النّجاح: از تألیفات حقیر و جهت ریاح و اختلاج و تشنج و فالج و امراض بارده‌ی عصبانی و تقویت اعصاب و تفتیح مجاری ضیقه و اوجاع بارده و تحلیل مواد غلیظه مجرب است. حسن لبان، مقل و میعه سایله مکد ۱۰ م، اشق، فرفیون، حبّ بلسان، خریق سفید، زرنب، کبابه، شیطرج و ماهیزهرج و قرنفل مکد ۶ ل، جوزبوا، زنجبیل، خولنجان، دارچینی و بلادر مکد ۵ ل، کندر، سیسالیوس، تخم گندنا، شونیز، تخم تره تیزک، نانخواه، قسط تلخ و تخم شبت مکد ۴ ل، سعد، مرزنجوش، حلبه، اسپند، مغز دانه‌ی کرچک، مغز بن اشنه و حبّ الغار مکد ۹ ل، یک هفته در هزار ل عرق بهار و امثال او بخیسانند و بجوشانند تا به نصف رسد و صاف نموده و با صد و پنجاه ل روغن زیتون و پنجاه ل روغن بید انجیر بجوشانند تا روغن بماند و سکینج، جاوشیر، مومیایی، میعه سایله، قنه و علك البطم مکد ۳ ل در

الملک، قرنفل، ایرسا و روغن زیتون کهنه از هر کدام یک اوقیه، لادن ۲ ل، زعفران نصف اوقیه، علك البطم و موم از هر یک ۳۰ ل و روغن ناردين مثل جميع.

- ذرور اعظم: جهت آكله و قروح ساعیه دهان و گلو و قضیب و سایر اعضاء مجرب و از تألیف حقیر و عدیل ندارد و از جمله اسرار است و در قطع خون جراحات و رویانیدن گوشت و منع ورم قروح و انصباب مواد آزموده است. موی سوخته، گلنار، شاخ گاو کوهی سوخته و اگر نباشد استخوان سوخته، برگ عناب، گل ارمنی از هر یک ۲ جزو، کندر، سفیداب قلعی و توتیای کرمانی شسته از هر کدام یک جزو را از حریر گذرانیده استعمال نمایند و هرگاه در غیر گلو و دهان استعمال کنند، صبر زرد یک جزو، مرداسنگ به آتش مکرر سرخ کرده و در سرکه انداخته و مغسول نموده دو جزو اضافه کنند و هرگاه خواهند که فتیله‌ای ساخته در سوزنک استعمال نمایند، قدر دو دانگ افیون مخلوط کرده با سفیدی تخم مرغ سرشته و فتیله سازند و در مجرای بول بگذارند و به‌غایت مسکن درد و در رفع سوزنک نظیر ندارد.
- ضماد قوبا: از مجربات والد حقیر و جهت قوبا و سعغه یابسه و جرب آزموده است. گوگرد ۱۰ ل، صمغ عربی ۵ ل، دنبه تازه ۵ ل در حمام و بعد از حمام به دو ساعت ضماد نمایند.
- ضماد جهت شقاق: ایضاً از مجربات والد مرحوم جهت شقاق آزموده است. زاج و صبر سیاه بالسویه با نطف سیاه بمالند و دست را نزدیک آتش بدارند.
- ضماد مسکن الاوجاع: در تسکین درد مفاصل حاره و بارده مجرب حقیر است. حله را با آب و سرکه بالسویه طبخ نمایند تا مهراً شود و عسل به وزن حله اضافه کرده و بجوشانند تا غلیظ گردد و نیم‌گرم طلا کنند.
- ضماد: جهت کزاز بارده و دردهایی که به جهت باد بواسیر که در اعضاء به هم می‌رسد و از تألیفات حقیر و به‌غایت آزموده است. فلفل ۲ ل، قاقله ۲ ل، نوشادر ۳ ل، حله ۵ ل، زنجبیل و سورنجان ۱ ل را با روغن گردکان ۲۰ ل و موم زرد ۵ ل ضماد نمایند.
- ضماد بهق و برص: از مجربات حقیر است و از جمله اسرار و در رفع برص حیوانات که الا گویند تخلف نمی‌کند و در

آن حل کنند و سنبل الطیب، مرصاف، زعفران، قصب الذریره و قرنفل مکد ۳ ل، دارچینی ۵ م، جند، فلفل، فریون و دارفلفل مکد ۲ م از حریر گذرانیده و اضافه نمایند.

- دهن المحلل: تألیف والد حقیر میرمحمد زمان تنکابنی جهت تقویت بی‌نظیر و در تحلیل ریاح معده و جگر بی‌عدیل است. مقل ازرق ۳ ل، سنبل الطیب، مصطکی، علك البطم مکد مثله، اشق، اسارون، قصب الذریره و اذخر مکد ۲ ل با روغن بابونه و روغن گل سرخ بالسویه از هر یک نیم رطل مخلوط نموده و در آفتاب بگذارند و هر روز برهم زنند تا ده روز و الا در خاکستر گرم بگذارند.
- روغن مانع ریختن موی از علت آتشک: مجرب حقیر است و به جهت داء الثعلب به‌غایت مفید است و چون موی سفید از موضع داء الثعلب برآید استعمال این روغن موی سیاه می‌رویاند. برگ مورد ۱۵ ل و وسمه ۳۰ ل را در چهارصد ل آب بجوشانند تا به نصف رسد پس صاف نموده با ۱۲۰ ل روغن کنجد بجوشانند تا روغن بماند و ۶ ل لادن در او حل کنند.
- مرهم رمانی: که از تألیف والد حقیر میرمحمد زمان تنکابنی (ره) و جهت جراحات مزمنه به‌غایت مجرب است و در تأثیر کمتر از مرهم رال نیست و به اعتدال اقرب است. انزروت، کاغذ کبود سوخته، پوست درخت کاج، روناس و کات هندی از هر یک ۲، سفیداب مغسول ۵، مرداسنگ مغسول ۲، کافور قیصوری ۱ با موم سفید ۵ و روغن گل سرخ ۲۰ مرهم سازند.
- مرهم شقاق: مجرب حقیر است و به‌غایت مؤثر است. علك البطم یک جزو، پیه بز چهار جزو را در قدر مضاعف گذاخته و استعمال نمایند و در کجی ناخن و تقشر او و شقاق لب و اطراف و حکه و جرب و زخم آتشک و شقاق چهارپایان آزموده است.
- مرهم جذام: از مجربات والد حقیر است و در سایر قروح سوداوی و اورام بارده آزموده است. سنبل الطیب، حماما، قردمانا، دارفلفل، کبابه، سلیخه، قسط تلخ، عاقرقرحا، مصطکی، مقل، مرصاف، حب بلسان، اشق، صبر زرد، میعه سایله، سیسالیوس، زراوند طویل و مدحرج، سعد، اکلیل-

سوراخ‌های نواصیر گذارند و در باب ذرورات آکله نیز اشاره به این نسخه شده است و از اسرار می‌تواند بود. صبر زرد ۱ ل، توتیای مغسول ۲ ل، سفیداب قلعی مغسول ۲ ل، مرداسنگ مغسول ۲ ل، گلنار ۱ ل، گل ارمنی ۲ ل، موی سوخته ۱ ل، کندر ۱ ل، افیون نیم ل، کدوی سوخته ۱ ل اجزا را نرم ساییده و از حریر گذرانیده با آب کتیرا سرشته و فتیله‌های باریک ساخته و در سوراخ قضیب گذارند.

- تریاق النزله: از مخترعات حقیر در منع ریختن مواد نزله و رفع سرفه مجربست. تخم کاهو ۲۰ ل، بذربنچ، پوست خشخاش مکد ۳۰ ل، خشخاش سفید ۴۰ ل، گل گاوزبان، تخم مورد، گشنیز خشک مکد ۱۰ ل، اسطوخودوس ۵ ل خیسانیده و بجوشانند و با مثلث ۴۵۰ ل و نبات ۳۰۰ ل به قوام آورده این ادویه را اضافه نمایند: گل سرخ، گشنیز خشک، ربّ سوس، نشاسته، صمغ عربی، کتیرا، مرصاف مکد ۵ ل، بسیار نرم باید سایید. قدر شربت ۳ مثقال است.
- مرهم مرداسنگ: جهت قروح خبیثه و شقاق پستان حقیر ترکیب نموده و بسیار نافع است. روغن گل سرخ را با دو مثل آن سرکه‌ی کهنه بجوشانند تا سرکه تحلیل رفته روغن بماند. آن‌گاه موم پاک نصف وزن روغن و دو وزن موم مرداسنگ داخل نموده از سر آتش بردارند و استعمال نمایند.
- مرهم جهت درد زخم‌های تازه: ترکیب حقیر جهت وجع زخم‌های تازه قدری موم پاک و روغن کنجد بر بالای آتش حل نموده قلیلی افیون اضافه نموده و از سر آتش بردارند و بر حوالی زخم بدارند.
- ذرور جهت آکله: جهت آکله و قروح ساعیه و بواسیرالأنف و نواصیر مجرب حقیر است. استخوان رمیم با سوخته‌ی صبر زرد بالسویه ذرور کنند و هم‌چنین برگ عناب خشک را ذرور نمایند به جهت آکله بیهیدیل است.
- ضماد: مجرب حقیر جهت تسکین ضربان مفاصل و درد سر ضربانی. مغز استخوان پاچه ۱۰ ل، روغن گل‌سرخ ۵ ل، فرفیون یک ل، زعفران ۳ ل.

رویابیدن موی داءالتعلب و داءالحیه سریع الأثر است و به‌غایت حارّ و سریع التّفوذ و زیاده از نیم ساعت نباید گذاشت و بعد از شستن او صندلین به جهت رفع حدّت و سوزش آن طلا کنند و بر اعضای رئیسه طلای او جایز نیست و هرگاه مکان برص و امثال آن متعدّد باشد، یک‌بار بر همه‌ی موضع نباید ضماد نمود، بلکه بر موضع بعضی دون بعضی تا همه ضماد شود و بعد از آبله کردن به مراهم مناسبه علاج کنند. سلیمانی یک جزو و صندل سفید سوده پنج جزو را با آب سرشته و استعمال نمایند و اگر یک جزو سلیمانی را با دو جزو صندل سفید و دو جزو خمیر مایه و دو جزو قسط تلخ و یک جزو انزروت ضماد نمایند، اولی است و حقیر تجربه نموده.

- ضماد داءالتعلب و داءالحیه: از مجربّات حقیر و بیهیدیل است. کندش و شیطرح از هر یک جزوی و زرنیخ سرخ دو جزو را با روغن زیتون طلا کنند.
- ضماد: جهت سعفه یابسه و قوبا که با خارش و سوزش باشد در دو سه دفعه زایل می‌کند و از مخترعات حقیر و مجرب است. مغز تخم کدو، توتیای مغسول و شنجرف را با شیر تازه ضماد نمایند.
- قطور دیگر: از مجربّات امیر عطاءالله جدّ حقیر است جهت گرانی سامعه و کری و دوی و طنین. بوره ارمنی ۳ دانگ، شحم حنظل ۱ ل، جند بیدستر نیم ل، زراوند مدحرج نیم ل، عصاره‌ی افستین، فرفیون ۱ دانگ، قسط تلخ ۱ دانگ را با زهره‌ی گاو سرشته و در روغن بادام تلخ حل کرده و بچکانند.
- حقنه: جهت اسهال صفاوی و کرائی که با تب و سده باشد از مجربّات حقیر. خبازی ۲ ل، بنفشه ۵ ل، نیلوفر ۳ ل، جو مقشّر ۱۰ ل، سپستان ۲۰ عدد، عنبتعلب ۵ ل، پوست هلله‌ی زرد ۵ ل و تخم کدوی نیمکوب ۷ ل را جوشانیده با لعاب بزرقطونا ۱۰ ل و روغن تخم کدو ۱۰ ل و شیرخشت ۱۰ ل حقنه نمایند.
- فتیله: به جهت رفع حرقه البول و قطع چرک آن به‌غایت نافع و از مخترعات حقیر است و به‌غایت مجرب و به دستور جهت نواصیر بیهیدیل است، چون فتیله را در

**اصطلاحات:**

- آبنوس: *Diospyros ebenum* (۵).  
 آتشک: سیفلیس (۶).  
 آس: مورد *Myrtus communis* (۷).  
 آکله: خوره (۸).  
 آلام: جمع الم به معنی درد (۹).  
 آمله: *Phyllanthus emblica* (۱۰-۱۱).  
 ایرون: گیاه همیشگی، *Sepervivum arboreum* (۱۱).  
 ابهل: ثمر گیاه، *Juniperus Sabina* (۷).  
 اثلق: پنج انگشت، *Vitex agnus-castus* (۱۲).  
 احتراق: سوختن (۹).  
 احریض: کافشه، *Carthamus tinctorius* (۱۱).  
 اختلاج: انقباض و تشنج شدید و غیرارادی عضلات و اعضا (۶).  
 اختلاط ذهن: پریشان خاطری (۱۳).  
 اختناق رحم: بیماری شبیه صرع و غشی متناوب که بیشتر در زنانی که بی‌نظمی عادت ماهیانه دارند یا در زنان بی‌شوهر پدید می‌آید، *Hysteria* (۹).  
 ادرار حیض: جریان یافتن و خروج خون قاعدگی (۹).  
 اذابه: ذوب شدن (۱۳).  
 اذاراقی: *Strychnos nux-vomica* (۱۰).  
 اذخر: *Andropogon schoenanthus* (۱۱).  
 ارز: برنج، *Oryza sativa* (۷).  
 اسارون: *Asarum europaeum* (۱۰).  
 استسقاء: آب آوردن شکم، جمع شدن آب بین دو پرده‌ی صفاق (۹).  
 استمساک: احتباس (۱۳).  
 اسطوخودوس: *Nepeta menthoides* (۷)، *Lavandula stoechas* (۱۱، ۵).  
 اشریه: نوشیدنی‌ها (۱۳).  
 اشق: وشا، *Dorema ammoniacum* (۷).  
 اشنه: *Muscus arboreus* (۱۱).  
 اصل: ریشه (۱۳).  
 اعاده: بازگرداندن (۱۳).  
 اعضای رئیسه: قلب و مغز و کبد (۱۴).
- افتیمون: سس شبدری، *Cuscuta epithimum* (۱۲).  
 افسنتین: *Artemisia absinthium* (۱۱-۱۲).  
 افیون: خشخاش، *Papaver somniferum* (۵).  
 اقاکیا: صمغ عربی، *Acacia arabica* (۵، ۱۱).  
 اقط: کشک (۲).  
 اقلیمیا: کف و دردی که از ذوب فلزاتی مانند طلا، نقره و مس در دیگ گداز فلزات به‌دست آمده و سپس منجمد می‌گردد (۲).  
 اکلیل‌الملک: *Astragalus hamosus* (۱۱-۱۲).  
 الیه: دنبه (۲).  
 امعاء: روده‌ها (۲).  
 اناردان: دانه‌ی انار (۲).  
 انجبار: هفت‌بند اروپایی، *Polygonum bistorta* (۱۰-۱۱).  
 انجدان: آنغوزه، *Ferula assa-foetida* (۱۱-۱۲).  
 انجره: گزنه، *Urtica pillulifera* (۷).  
 انزروت: *Astragalus sarcocolla* (۱۱-۱۲)، *Astragalus arbusculinus* (۷).  
 انصباب: ریزش (۱۳).  
 انیسون: *Pimpinella anisum* (۷).  
 اوجاع: جمع و جمع به معنی درد (۹).  
 اهلیلیج: هلیله (۲).  
 ایرسا: زنبق، *Iris florentina* (۵، ۱۱).  
 بابونه: *Matricaria chamomilla Anthemis nobilis* (۷، ۱۱).  
 بادسرخ: سرخی است که بر صورت و اطراف آن پدید آید (۹).  
 بادرنجبویه: *Asperugo procumbens* (۷، ۱۰)، *Melissa officinalis* (۱۱-۱۲).  
 بادنجان: *Solanum melongena* (۵، ۱۱).  
 بارتنگ: بارهنگ، *Plantago major* (۵، ۱۱).  
 بالنگو: *Lallemantia royleana* (۱۰-۱۱).  
 باه: قوای جنسی (۹).  
 بثور: جوش‌های ریز (۶).  
 بخور: هرچه دود او را استعمال نمایند (۲).  
 برص: پیسی (۶).  
 برنجاسف: *Achillea eriophora* (۷)، *Achillea millefolium* (۵)، *Aremisia vulgaris* (۱۱-۱۲).

- بزرالبنج: *Hyoscyamus albus, H.niger, H.aureus* (۱۲).  
 بزرقطونا: اسفرزه، *Plantago ovata* (۷).  
 بسباسه: جوز بویا، *Myristica fragrans* (۱۰-۱۱).  
 بستان افروز: تاج‌خروس، *Amaranthus paniculatus* (۵،۱۰)،  
*Amaranthus tricolor* (۱۱-۱۲).  
 بسد: ریشه‌ی مرجان (۲).  
 بسرشند: مخلوط کنند (۱۳).  
 بسفایج: بسپایک، *Polypodium vulgare* (۷).  
 بشره: صورت (۱۳).  
 بطایخ: خربزه *Cucumis melo* (۱۲).  
 بلح: غوره‌ی خرما (۲).  
 بلسان: *Commiphora opobalsamum* (۱۰-۱۱)، *Momordica*  
*balsamina* (۱۱-۱۲).  
 بلوط: *Quercus ilex* (۱۱-۱۲).  
 بلیله: *Terminalia bellerica* (۱۰-۱۱).  
 بنفسج: بنفشه‌ی معطر، *Viola odorata* (۷).  
 بواسیرالأنف: پولپ بینی (۹).  
 بوزیدان: پنیرباد، *Withania somnifera* (۷،۱۰).  
 بول: ادرار (۱۳).  
 بول‌الدم: ادرار خونی (۹).  
 بهق: لک و پیس ظاهر پوست، فرق میان آن و برص آن است که  
 برص به عمق پوست نفوذ می‌کند بر خلاف بهق که سطحی  
 است (۶۸).  
 بهمن سفید: گل گندم طلائی، *Centaurea behen* (۵،۱۱).  
 بهمن سرخ: *Statice limonium* (۱۸).  
 بیاض: لکه‌ی سفید روی قرنیه، *Leukoma* (۸).  
 بیختن: الک کردن (۱۳).  
 بیدانجیر: کرچک (۲).  
 پرسیاوشان: *Adiantum capillus veneris* (۷).  
 پودنه: پونه، *Mentha pulegium* (۱۱).  
 تافتن: گرم کردن (۱۳).  
 تب ربع: تب نوبه که هر چهار روز یک‌بار ظاهر می‌شود (۹).  
 تجفیف: خشک کردن (۱۳).  
 ترب: *Raphanus sativus* (۱۰-۱۱).  
 تربد: *Ipomoea turpethum* (۱۰-۱۱).  
 ترنج: *Citrus medica* (۷).  
 ترنجبین: *Alhagi camelorum* (۱۰،۷).  
 تره تیزک: شاه‌ی، *Lepidium sativum* (۷).  
 تسمین: چاق شدن (۱۳).  
 تشویه: بریان کردن (۱۳).  
 تقشّر: پوسته پوسته شدن (۱۳).  
 تقطیرالبول: چکه چکه آمدن ادرار (۸).  
 تمر: خرما (۲).  
 تمر هندی: *Tamarindus indica* (۱۰-۱۱).  
 تهیج: ورم (۱۳).  
 توتیا: دارویی که از رسوب دود و بخارهای سنگ سرب در موقع  
 گداختن آن در کوره به‌دست می‌آمده است و احتمالاً اکسید  
 ناخالص روی می‌باشد (۹،۲۱).  
 ثلیل: جمع ثلول به‌معنی زگیل (۹).  
 ثفل: تفاله (۱۳).  
 ثقل: سنگینی (۱۳).  
 ثقبه: سوراخ (۱۳).  
 جاوشیر: *Opopanax chironium* (۱۱-۱۲).  
 جرب: خارش (۱۵).  
 جرمیلک: ریشه‌ی جرمل *Frankenia laevis* (۱۱).  
 جعده: مریم نخودی *Teucrium polium* (۱۰-۱۱)، *Ajuga iva*  
 (۱۱-۱۲).  
 جفت‌البلوط: پوست نازک بلوط که چسبیده به مغز آن است (۲).  
 جلعوزه: مغز دانه‌ی صنوبر (۲).  
 جلاب: گلاب (۲).  
 جلوس: نشستن (۱۳).  
 جمیز: *Ficus sycomorus* (۱۹).  
 جوزالسرو: بار درخت سرو است، *Cupressus sempervirens*  
 (۱۰-۱۱).  
 جوزیوا: جوز بویا، *Myristica fragrans* (۷).  
 چوب چینی: *Smilax glabra* (۵-۱۲).  
 حب الغار: دانه‌ی برگ بو، *Laurus nobilis* (۵،۱۱).  
 حب القرع: کرم کدو (۲).

بریزد. به این علت به آن داءالثعلب گویند که در روباه شایع است،  
 Alopecia (۱۵).  
 داءالحیه: عارضه‌ای که در آن علاوه بر ریزش مو، پوست نیز جدا  
 می‌گردد. در واقع ریزش مو همراه با پوست ریزی می‌باشد،  
 Ichthyosis (۱۵).  
 داخس: درد ناخن، عقربک (۶).  
 دارچینی: دارچین، *Cinnamomum zeylanicum* (۷).  
 دارشیشعان: *Colyctotom spinosa* (۱۱).  
 دارفلفل: فلفل دراز، *Piper longum* (۷).  
 دجاج: مرغ (۲).  
 درونج: *Doronicum pardalianches* (۱۲)، *D. scorpioides* (۱۱).  
 دفلی: خرزهره، *Nerium oleander* (۱۱-۱۲).  
 دماغ: مغز (۲).  
 دم‌الأخوین: خون سیاوشان، *Dracaena cinnabari* (۱۱-۱۰).  
 دمعه: اشک و در این جا به معنی آبریزش چشم (۶).  
 دوار: سرگیجه (۹).  
 دوقو: تخم زردک برّی، *Daucus carota* (۱۱-۱۰).  
 دوی: وزوز گوش (۹).  
 دهن: روغن (۸).  
 ذات الجنب: درد پهلو، التهاب پرده‌های جنب ریه، *Pleurisy* (۹).  
 ذرور کردن: به صورت پودر بر اعضا پاشیدن (۲).  
 ذویان: لاغری (۹).  
 رازیانه: *Foeniculum vulgare* (۷).  
 ربو: آسم (۶).  
 رتیلا: رتیل (۱۳).  
 رز: درخت انگور، *Vitis vinifera* (۷).  
 رعاف: خونریزی از بینی (۶).  
 رمد: ورم ملتحمه است که با سرخی و ترشحات چشم همراه  
 می‌باشد، *Conjunctivitis* (۱۶).  
 روناس: *Rubia tinctorum* (۷).  
 ریاح: جمع ریاح است و ریاح بادی است که در شکم باشد یا در  
 پیوندگاه اندام‌ها همراه با درد پیدا می‌شود (۹).  
 ریحان: *Ocimum basilicum*، *O. minimum* (۱۱).  
 ریوند: *Rheum palmatum* (۷).

حب الملوک: ماهودانه، *Euphorbia lathyris* (۱۱).  
 حب النیل: تخم نیلوفر، *Ipomoea hederacea* (۵،۱۱).  
 حجرالبقر: سنگی است که در زهره و شیردان گاو ایجاد  
 می‌شود (۲).  
 حرقه‌بول: سوزش ادرار (۹).  
 حرمل: اسفند، *Peganum harmala* (۱۰،۱۱).  
 حزاز: مرضی در پوست که گسترده می‌شود و با خارش  
 همراه است (۶).  
 حسن لبان: صمغ درخت مصطکی، *Pistacia lentiscus* (۷).  
 حصات: سنگریزه (۱۳).  
 حضض مکی: *Lycium afrum* (۱۱-۱۲).  
 حقه: تنقیه (۱۳).  
 حگه: خارش (۶).  
 حلبه: شنبلیله، *Trigonella foenum-graecum* (۷).  
 حماض: ترشک، *Rumex acetosa* (۱۱-۱۲)، *Oxalis acetosella* (۱۱).  
 حماما: هل باد، *Amomum cardamom* (۱۱).  
 حمره: بادسرخ (۸).  
 حمول: دارویی که آنرا بر پارچه آغشته و آنرا در فرج یا مقعد  
 قرار دهند (۹).  
 حنظل: هندوانه‌ی ابوجهل *Citrullus colocynthis* (۷).  
 خربق سفید: *Veratrum album* (۱۱-۱۲).  
 خرفه: *Portulaca oleracea* (۷).  
 خصیه: بیضه، تخمدان (۹).  
 خصیه‌ الثعلب: *Orchis hircine* (۱۱).  
 خضاب: آنچه که موی سر و صورت یا پوست بدن را به آن رنگ  
 کنند (۸).  
 خطاف: پرستو (۲).  
 خطمی: *Alcea spp.*، *Althaea officinalis* (۵-۱۲).  
 خفقان: تپش قلب (۹).  
 خلاف: بید، *Salix spp.* (۵،۷،۱۱).  
 خوخ: شفتالو، *Prunus persica* (۱۱).  
 خولنجان: *Alpinia galanga*، *A. officinarum* (۵،۷).  
 خیارشبر: فلوس *Cassia fistula* (۵،۱۱).  
 داءالثعلب: عارضه‌ای که در آن موی سر، ابرو، ریش یا همه‌ی بدن

- زبدالبحر: کف دریا، کربنات کلسیم (۲۱).
- زحیر: پیچاک شکم که خون برآرد، اسهال توأم با پیچش (۶).
- زراوند طویل: *Aristolochia longa* (۱۰-۱۱).
- زراوند مدحرج: *Aristolochia rotunda* (۱۰-۱۱).
- زردچوبه: *Curcuma longa* (۷، ۱۲).
- زردک: هویج، *Daucus carota* (۱۰-۱۱).
- زرشک: انبرباریس، *Berberis vulgaris* (۱۰-۱۱).
- زرنب: سرخدار، *Taxus baccata* (۱۰-۱۱).
- زرنباد: *Zingiber zerumbet* (۵، ۱۱)، *Curcuma zedoaria* (۷، ۱۰).
- زرنیخ: سولفور آرسنیک (۲۱).
- زعفران: *Crocus sativus* (۷).
- زنجبیل: *Zingiber officinale* (۷).
- زوفای خشک: *Hyssopus officinalis* (۱۰-۱۱).
- زیت: روغن زیتون (۲).
- زیره کرمانی: کمون کرمانی، *Bunium persicum* (۷).
- ساذج هندی: *Cinnamomum citriodorum* (۱۱).
- سبل: تورم و برآمدگی رگ‌های سطحی قرنیه همراه با نفوذ و رویش بافت‌های دانه‌وار، *Pannus* (۱۶).
- سپرز: طحال (۲).
- سحج: خراش روده (۶).
- سدد: جمع سده که به معنی گرفتگی یا بسته شدن هریک از مجاری یا رگ‌های بدن می‌باشد (۹).
- سدر: تیرگی چشم که با گرانی و گردش سر پدید می‌آید (۹).
- سدس: یک ششم (۱۳).
- سرطان: خرچنگ (۲).
- سطاربیون: ثعلب، *Orchis hircina* (۱۱).
- سعال: سرفه (۶).
- سعد: *Cyperus longus* (۱۱-۱۲).
- سعفه: زخم‌هایی که در سر و صورت و گاه در تمام بدن ظاهر می‌شود. این عارضه کچلی، اگرما یا پدیده‌های آماسی است که در اپی‌درم پدیدار می‌گردد و نشانه‌های آن سرخی، خارش، برآمدگی‌های کوچک و بالاخره تاول و زخم است (۹).
- سعوپ نمودن: چکانیدن داروی مایع در بینی (۲).
- سفرجل: به، *Cydonia oblonga* (۷).
- سکیننج: *Ferula persica* (۱۰).
- سلاق: سرخ شدن و سطر شدن کناره‌های پلک چشم، *Blepharitis* (۱۶).
- سلیخه: *Cinnamomum iners* (۱۲)، *C. cassia* (۱۱).
- سماق: *Rhus coriaria* (۷).
- سنا: *Cassia angustifolia* (۵، ۱۱).
- سناءمکی: *Cassia acutifolia* (۱۰-۱۱).
- سنبل‌الطیب: *Nardostachys jatamansi* (۷).
- سنجد: *Elaeagnus angustifolia* (۱۱).
- سنون: دارویی که بر دندان مالند (۲).
- سوءالقینیه: سوء مزاج یا فساد مزاج و در مجموع می‌توان آن‌را هپاتیت و یا *Ascites* محسوب داشت (۹).
- سوءالنفس: تنگی نفس (۹).
- سودن: آسیاب کردن (۱۳).
- سورنجان: *Colchicum autumnale* (۱۱-۱۲).
- سوزنک: سوزاک (۸).
- سوس: شیرین بیان *Glycyrrhiza glabra* (۱۰-۱۱).
- سوسن آسمانجونی: زنبق، *Iris florentina* (۱۲)، *I. germanica* (۱۱).
- سوسن کبود: سوسن آسمانجونی (۲).
- سیسالوس: *Seseli tortuosum* (۱۱).
- سیلان خون: خونریزی (۹).
- شادنچ: نوعی سنگ عدسی شکل و به رنگ خون که ترکیب اصلی آن اکسید آهن سه ظرفیتی می‌باشد (۲، ۲۱).
- شاهتره: *Fumaria parviflora* (۷).
- شب یمانی: نوعی زاج سفید که بیشتر در یمن به دست می‌آید (۲، ۲۲).
- شحم: گوشت (۱۳).
- شری: مخمک (۶).
- شعیر: جو، *Hordeum vulgare* (۷).
- شقاق: ترک (۱۳).
- شقاقل: *Polygonatum orientale* (۷)، *Malabalia sakakul* (۱۲).
- شنجراف: همان زنجفر است که سولفید جیوه می‌باشد.

- شیرخشت: *C. numularia*, *Cotoneaster numularioides* (۷).
- شیطرح: موچه، *Lepidium latifolium* (۱۱-۱۲).
- شوکران: *Conium maculatum* (۱۰-۱۱).
- شونیز: سیاه‌دانه، *Nigella sativa* (۷).
- صبر: *Aloe vera* (۵،۷)، *Aloe littoralis*، *A. barbadensis* (۱۱-۱۲).
- صمغ عربی: *Acacia Arabica* (۵،۱۲).
- صندل سفید: *Santalum album* (۱۰-۱۱).
- ضان: گوسفند (۲).
- ضیق‌النفس: تنگی نفس (۹).
- ضیقه: تنگ (۱۳).
- طباشیر: *Bambusa arundinacea* (۱۰-۱۱).
- طبیح: جوشانده (۲).
- طرفا: گر، *Tamarix gallica* (۱۱-۱۲)، *Quercus infectoria*, *Q. brantii* (۷).
- طلا کردن: مالیدن دوی رقیق بر اندام است (۲).
- عاققرحا: *Anacyclus pyrethrum* (۱۰-۱۱).
- عرق النساء: سیاتیک (۹).
- عقاقیر: مفردات شامل گیاهان و حیوانات و معدنیات (۲۱).
- علت: بیماری (۱۳).
- علف هندی: سنبل‌الطیب، *Nardostachys jatamansi* (۷).
- علک‌البطم: سقر که صمغ درخت بطم می‌باشد *Pistacia terebinthus* (۱۱-۱۲).
- علل: بیماری‌ها (۱۳).
- عنصل: اسقیل، *Scilla maritima* (۱۱).
- عناب: *Zizyphus vulgaris* (۷،۱۰).
- عنب‌الغلب: تاجریزی سیاه، *Solanum nigrum* (۱۰-۱۱).
- غاریقون: *Polyporus officinale* (۷).
- غافت: *Agrimonia eupatoria* (۱۱-۱۲).
- فالج: فلج (۹).
- فتیله: دارویی که بر پنبه مالیده و در مجاری یا درون زخم قرار می‌دهند (۲).
- فربه: چاق (۱۳).
- فریون: *Euphorbia resinifera* (۵،۱۱).
- فستق: پسته، *Pistacia vera* (۷).
- فطر اسالیون: *Carum petroselinum* (۱۱).
- فقاح: شکوفه (۲).
- فلفل سیاه: *Piper nigrum* (۷،۱۱).
- فوفل: *Areca catechu* (۱۰-۱۱).
- فوق: ریشه *Valeriana dioscorides* (۱۱).
- قدر شربت: میزان مصرف (۸).
- قرحه امعاء: زخم روده (۹).
- قردمانا: زیره‌ی وحشی، *Lagoecia cuminoides* (۱۱).
- قرطم: تخم کافشه، *Carthamus tinctorius* (۱۱-۱۲).
- قرع: کدو، *Cucurbita pepo* (۷).
- قرنفل: میخک، *Eugenia caryophyllata* (۱۱).
- قروح خبیثه: زخم‌های بد و دیر علاج (۹).
- قروح ساعیه: زخم‌های فراگیر، کفگیرک (۹).
- قسط بحری: *Costus speciosus* (۲۰).
- قسط تلخ: *Costus amarum* (۱۹)، *Saussurea lappa* (۱۰).
- قصب الذریره: *Swertia chirata* (۱۸).
- قضیب: آلت تناسلی مرد (۹).
- قطن: پنبه *Gossypium spp.* (۱۰-۱۱).
- قطور: شکل دارویی معادل قطره‌ی امروزی (۸).
- قنطوریون رقیق: قنطوریون صغیر، *Erythraea centaurium* (۱۱).
- قنه: باریجه، *Ferula galbaniflua* (۱۰-۱۱).
- قوبا: خارش و زخم پوست (۹).
- قولنج: درد ناگهانی در ناحیه‌ی شکم به‌خصوص قسمت‌های مجاور کولون (۹).
- کات هندی: صمغ، *Acacia catechu* (۵،۱۱).
- کاسنی: هندبا، *Cichorium intybus* (۷).
- کافشه: احریض، *Carthamus tinctorius* (۱۰).
- کبابه: *Piper cubeba* (۷).
- کبر: *Capparis spinosa* (۱۰-۱۱).
- کبریت: گوگرد (۲).
- کثیرا: کثیرا، *Astragalus gummiphera* (۷-۱۱).
- کراثی: سبز رنگ شبیه به رنگ تره (۱۳).
- کرچک: *Ricinus communis* (۱۰).
- کرفس بستانی: کرفس، *Apium graveolens* (۱۰-۱۱).

- کرویا: *Carum carvi* (۱۱).  
 کزمازج: ثمر درخت طرفا است (۲).  
 کشوٹ: *Cuscuta monogyna* (۲۰).  
 کلف: کک مک و لک صورت (۹).  
 کنار: *Zizyphus spina-christi* (۷).  
 کنجد: *Sesamum indicum* (۷).  
 کندر: *Boswellia carterii* (۷).  
 کندر ذکر: صمغ صلب مایل به سرخی گیاه کندر را کندر ذکر و سفید سست را انٹی نامند (۲).  
 کندش: *Gypsophila struthium* (۱۱).  
 گردکان: گردو (۲).  
 گرده: کلیه (۲).  
 گشنیز: *Coriandrum sativum* (۷).  
 گل سرخ: *Rosa spp.* (۱۱، ۷).  
 گل گاوزبان: *Echium amoenum* (۱۰).  
 گل‌قند: مربایی است که از برگ‌های گل سرخ با شکر تهیه می‌کنند (۲).  
 گندنا: تره *Allium porrum* (۱۱).  
 لادن: صمغ بعضی گیاهان جنس *Cistus* نظیر *C. ladaniferus* (۲۰).  
 لحم: گوشت (۱۳).  
 لحيه‌التيس: *Tragopogon pratensis* (۱۱).  
 لذاع: سوزاننده (۱۳).  
 لسان الثور: گاوزبان (۲).  
 لسان العصافير: زبان‌گنجشک *Fraxinus excelsior* (۱۱).  
 لعوق: دارویی که آن را بلیسند (۲).  
 لقوه: فلج و رعشه‌ی صورت، کجی دهان (۶، ۹).  
 لک: صمغ درختی است که گیاهان زیادی را به آن نسبت داده‌اند (۲).  
 لينت: نرم کردن (۱۳).  
 مازو: *Quercus lusitanica, Q. infectoria* (۱۰-۱۲).  
 ماساریقا: روده‌بند، مزانتری (۱۳).  
 مالیخولیا: بیماری سوداوی که همراه با غم و اندوه، ترس و بدبینی می‌باشد *Melancholi* (۱۷).  
 مالیخولیای مراقی: نوعی مالیخولیا که عقیده داشتند در آن گردن
- بیمار ستمبر می‌شود (۱۷).  
 ماهیزهرج: *Anamirta paniculat* (۱۱-۱۰).  
 مامیران: *Chelidonium majus* (۷).  
 مبرودین: سرد مزاجان (۱۳).  
 متحجره: سنگ شده (۱۳).  
 محترقه: سوخته (۱۳).  
 محرق: سوخته (۱۳).  
 محکوک: ساییده (۱۳).  
 محلب: *Prunus mahaleb* (۱۱).  
 محموده: سقمونیا، *Convolvulus scammonia* (۵، ۱۱).  
 مرداسنگ: اکسید سرب (۲۱).  
 مرزنجوش: *Origanum majorana* (۵، ۱۱)، *O. vulgare* (۷).  
 مرصاف: *Commiphora myrrha* (۱۱).  
 مسحوق: ساییده شده (۱۳).  
 مسکر: مست کننده (۱۳).  
 مشهّی: اشتهاآور (۱۳).  
 مشوی: بریان شده (۱۳).  
 مشکطرامشیع: *Origanum dictamnus* (۱۱).  
 مصطکی: *Pistacia lentiscus* (۷).  
 مضمحل: له (۱۳).  
 مطبوخ: جوشانده (۱۳).  
 معرق: عرق آور (۱۳).  
 معصور: فشرده (۱۳).  
 مغسول: شسته (۱۳).  
 مفتّح: گشاینده (۱۳).  
 مفرّح: شادی‌بخش (۱۳).  
 مقرّض: ریزه شده، خرد شده (۱۳).  
 مقشّر: پوست کنده (۱۳).  
 مقل: *Commiphora mukul* (۱۱-۱۰).  
 مقل ازرق: *Commiphora africana, Hyphaene thebaica* (۱۱).  
 من: ۳ کیلوگرم (۹).  
 من شاه: ۶ کیلوگرم (۹).  
 منقّی: صاف کننده و پاک کننده (۲).  
 منومّ: خواب‌آور (۱۳).

- مهرآ: خوب پخته شده (۱۳).
- مویز ریشه‌ی *Meum athamanticum* (۱۱).
- مورد: *Myrtus communis* (۷).
- میعه سایله: عنبر سایل، *Liquidambar orientalis* (۵)، *Styrax officinalis* (۱۱-۱۲).
- میفختج: آب انگور است که هنگام جوشیدن دو سوم آن تبخیر شود و غلیظ گردد و مایل به ترشی می‌باشد (۲).
- نارجیل: نارگیل، *Cocos nucifera* (۱۱).
- ناردان: دانه‌ی انار (۲).
- ناردین: سنبل الطیب، *Nardostachys jatamansi* (۷).
- نارنج: *Citrus aurantium* (۷).
- نارنجک: نارنج کوچک (۲).
- نانخواه: زنیان، *Carum copticum* (۱۱-۱۰).
- نخس: احساس و ادراکی که گویا خار و پیکان در بدن فرو می‌کنند (۱۴).
- نرف‌الدّم: خونریزی (۶).
- نزلات: جمع نزله به معنی ترشحات مغز که از طریق بینی خارج نشده و به حلق و سینه فرود آید (۱۴).
- نسیان: فراموشی (۱۳).
- نضح: پخته شدن ماده‌ی بیماری (۱۴).
- نعناع: *Mentha piperita* (۱۱).
- نمله: جوش و بثورات پوستی (۹).
- نواصیر: جمع ناصور که به معنی زخمی است که آب کشیده و ورم کرده و چرکی شده باشد، فیستول (۶، ۹).
- نوشادر: آمونیوم کلرید (۲۱).
- نیچه: لوله‌ای که میان قرع و انبیق قرار دارد و آن دو را به هم متصل می‌کند (۱۳).
- نیلوفر: *Nymphaea alba* (۷).
- هاضم: هضم کننده (۱۳).
- هلبله زرد: *Terminalia citrine* (۵).
- هلبله سیاه: *Terminalia horrida*، *Myrobalanus nigra* (۱۹).
- هلبله کابلی: *Terminalia chebula* (۵).
- هوام: جانوران خزننده و گزنده (۲).
- هوچوبه: ابوخلسا، *Alkanna tinctoria* (۲۰).
- هیل: هل، *Elletaria cardamomum* (۷).
- وجع: درد (۹).
- وسمه: برگ نیل *Indigofera tinctoria* (۱۱).
- وج: آگیر ترکی، *Acorus calamus* (۷).
- وخز: احساس و ادراکی که گویا سوزن بر بدن فرو می‌کنند (۱۴).
- یوست: خشکی (۱۳).

## منابع

- دانشنامه‌ی جهان اسلام: زیر نظر: حداد عادل، غلامعلی. ج. ۶. انتشارات بنیاد دایره‌المعارف اسلامی، تهران، ۱۳۸۰.
- تنکابنی حکیم، محمد مومن: تحفه المومنین. تصحیح: رحیمی، روجا؛ شمس اردکانی، محمد رضا؛ فرجامند، فاطمه. انتشارات نشر شهر، تهران، ۱۳۸۶.
- سعید حکیم، محمد: فارماکوپه طب شرقی هم‌درد. انتشارات موسسه‌ی مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ۱۳۸۲.
- میر، محمد تقی؛ اصفهانی، محمد مهدی: واژه‌نامه‌ی فرهنگ و مصطلحات طب سنتی ایران. انتشارات دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی ایران، تهران، ۱۳۸۷.
- امین، غلامرضا: متداولترین گیاهان دارویی سنتی ایران. انتشارات دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران، تهران، ۱۳۸۴.
- عقیلی خراسانی شیرازی، محمد حسین: قرابادین کبیر. انتشارات کتابفروشی محمودی، تهران، ۱۳۷۷.

۷. الجرجانی، اسمعیل بن الحسن بن محمد الحسینی: الاغراض الطبیة و المباحث العلائیة. تصحیح و تحقیق: تاج‌بخش، حسن. انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۵.
۸. هوپر، دیوید: گیاهان سودمند و دارویی ایران و عراق. موسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، تهران، ۱۳۸۲.
۹. بک، احمد عیسی: معجم اسماء النبات. دار الرائد العربی، بیروت، ۱۹۸۱.
۱۰. رازی محمد بن زکریا: الحاوی. ترجمه‌ی: طباطبایی، سید محمود. ج. ۲۲. شرکت داروسازی الحاوی، تهران، ۱۳۷۲.
۱۱. دهخدا، علی‌اکبر: لغت‌نامه. به کوشش: معین، محمد؛ شهیدی، سید جعفر. انتشارات دانشگاه تهران، موسسه لغت‌نامه، ۷۲-۱۳۷۳.
۱۲. عقیلی خراسانی شیرازی، محمد حسین: خلاصه الحکمه. تحقیق: ناظم، اسماعیل. انتشارات اسماعیلیان، قم، ۱۳۸۵.
۱۳. میر، محمدتقی: فرهنگ و مصطلحات طب سنتی ایران. انتشارات دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ۱۳۷۶.
۱۴. رازی، محمد بن زکریا: الحاوی، بیماری‌های چشم و چشم پزشکی. ترجمه‌ی: طباطبایی، سید محمود. ج. ۲۰. شرکت داروسازی الحاوی، تهران، ۱۳۷۲.
۱۵. رازی، محمد بن زکریا: الحاوی. بیماریهای مغز و اعصاب و روان. ترجمه‌ی: طباطبایی، سید محمود. ج. ۱. انتشارات شرکت داروسازی الحاوی، تهران، ۱۳۷۲.
۱۶. بیرونی، ابوریحان: الصیدنه فی الطب. تصحیح: زریاب، عباس. انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۰.
۱۷. قهرمان، احمد؛ اخوت، احمدرضا: تطبیق نام‌های کهن گیاهان دارویی با نام‌های علمی. انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۳.
۱۸. سلطانی، ابوالقاسم: دایرةالمعارف طب سنتی (گیاهان دارویی). انتشارات ارجمند، تهران، ۱۳۸۴.
۱۹. زکریا، محمد: کتاب الاسرار. ترجمه‌ی: شیبانی، حسنعلی. انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۹.